

روغن هست ولی کم است

مهدی نیشابوری

شود و از ضررهای روغن حرف بزند.
* الان هر چقدر هم داخل پاکت‌های شیر آب ریخته شود، به‌صورت یک محلول هم‌سان در می‌آید و بودن آب داخل آن مشخص نمی‌شود. بهتر است دانشمندان و متخصصان کشور مان بر روی پروژه‌ای کار کنند که بشود آب و روغن را هم باهم مخلوط کرد. این طوری می‌شود روغن با غلظت کمتر وارد بازار کرد تا بازار به تعادل نسبی برسد.
* وقتی ما به یک فناوری رسیده‌ایم که خورشست قیمه بدون گوشت و به‌تازگی بدون حیوانات درست کنیم، حتما می‌توانیم بدون روغن تمام غذاها را درست کنیم.
* از کسانی که ناشان توی روغن است بخواهیم کمی از این روغن را به مردم عرضه کنند.
* خوشبختانه صداوسیما ی ما از آن صداوسیماها نیست که از حذف کردن برخی سکانس‌ها بترسد و بگوید به داستان فیلم ضربه می‌زند. از این رو صداوسیما می‌تواند هنگام پخش برنامه‌های آشپزی، سکانس‌هایی همچون ریختن روغن در ماهی‌تابه و سرخ کردن را حذف کند و خوشبختانه نیازی هم ندارد به دلیل این کارش به جایی یا کسی پاسخگو باشد.
* الان، ما هم روغن جامد داریم هم روغن مایع و می‌توانیم چیزی هم به‌عنوان روغن گاز درست کنیم و روانه بازار کنیم. کاری هم ندارد، یک بطری شبیه بطری روغن مایع که وقتی درش را باز کنیم، فقط و فقط بوی روغن می‌دهد.

راستش ما شنیده بودیم که خودروها آب‌روغن قاطی کنند، ولی ندیده بودیم که مغازها «رب، روغن» یا «تن، روغن» قاطی کنند و روغن را فقط و فقط با تن‌ماهی یارب به مردم بفروشند.
این نشان می‌دهد که بازار روغن خودش به روغن کاری نیاز دارد. بنابراین برای نرم کردن و روان کردن بازار روغن پیشنهادهای زیر را مطرح می‌کنیم:
* مسئولان برای مردم آشی بپزند که به‌جای یک‌وجوب روغن، پنج‌شش وجوب روغن رویش باشد. این طوری مردم هر جا روغن ببینند، حالشان بد می‌شود و طرف آن نمی‌روند.
* این روغن هم حتما مانند بقیه کالاها یک سلطانی چیزی برای خودش دارد. بهتر است هر چه سریع‌تر خبر دستگیری سلطان روغن منتشر شود.
* کسانی که روغن می‌خواهند، باید در ازما پیشگاه‌های تأییدشده بقالی‌ها ازمایش خون بدهند و سپس بر گه ازمایش خون خود را به بقالی ببرند و فقط در صورتی که کلسترول آن‌ها کمتر از حد مجاز بود به آن‌ها روغن تحویل داده شود.
* بهنوش بختیاری با قطع بر نامه‌های مهم کاری خود بلافاصله در صداوسیما حاضر



هوتو کاتور



هادی ساعی در مجمع عمومی کمیته ملی المپیک



دیدار تیم‌های پرسپولیس تهران و آلمینیوم اراک

مجتبی ناصحی‌راد

پخش عذرخواهی رئیس سازمان صداوسیما از مردم و رئیس‌جمهور، در صداوسیما سانسور شد!

فردوسی‌پور: بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت؟

- **کیهان:** آقای دولت، شما باید از کارشناس تلویزیون عذرخواهی کنید!
- **فروغی:** رئیس‌مون داشت از مدار خارج می‌شد، سانسورش کردیم.
- **عنابستانی:** کار به جای باریک رسیده، حتی من هم عذرخواهی کردم، غیر اینه؟!

مدیرکل سازمان شیلات: باکمبود قوطی فلزی مواجهیم

سایپا: یادش به خیر، ما روی همین قوطی ء تا چرخ می‌داشتیم، بهش می‌گفتیم پراید!

- **مردم:** حالمون توی قوطیه! درش بیارین، قوطی‌ش مال خودتون!
- **وزارت نیرو:** مردم در مصرف قوطی صرفه‌جویی کنند.
- **اعترافات هونلک سلطان قوطی:** ما می‌ها رو می‌ریختیم دور و قوطی‌های خالی اش رو قاچاق می‌کردیم.
- **صداوسیما:** پیت به کارتون نمی‌آد؟
- **ما برنام‌ه‌های در پیت زیاد داریم‌ها.**
- **وزارت صحت:** قوطی به میزان کافی در انبارها ذخیره شده است و مردم برای شب عید نگرانی نداشته باشند.

سخنگوی صنعت برق: جدول‌های منتشرشده خاموشی قطعی نیست.

مردم: قطعی نیست، ولی قطع می‌شه!

- **ماینها:** از تون راضی هستیم، منون بچه‌ها.
- **تلویزیون:** طبق خبر جدول خاموشی امروز که هم‌اینک به دستم رسید... ا ع... قطع شد که!
- **یکی از بیماران مرخص شده از اتاق عمل در خاموشی:** احساس می‌کنم قیچی قورت دادم.
- **مندلیف:** جدول عناصر منم این قدر مبهم نیست به‌خدا.
- **شهروند مانده در تاریکی داخل سرویس بهداشتی:** دستکم جدول روشنی قطعی باشه!

چک دل

وزیر بهداشت: هفتمین مورد ابتلا به کرونا چشم‌یافته شناسایی شد.

هر لحظه به یک چیز در آمیخته شد

کرک همه جهان از او ریخته شد

ای کاش کسی به این کروناگوید:

یک لحظه چشم نکن ببینم چه شد؟

عبدا...مقدمی

کخ نوت

وقتی سخنگوی دولت، سخنگوی حال دلش می‌شود!

مهدی محمدی
mahdi.mohammadi@shahraraneews.ir

علی ربیعی، سخنگوی دولت: «حالم خوب نیست، آرامش می‌خواهم».
دکتر ظریف: به کم زودتر می‌گفتی حالم خوب نیست. من که از دوشنبه راهی آذربایجان و آرمستان و گرجستان و روسیه و ترکیه شدم. خب تو رو هم با خودم می‌بردم به کم دلت باز بشه. ولی عیب نداره، دفعه بعد هر جا برم تو رو هم با خودم می‌برم.

۸۰ میلیون ایرانی: ظریف دفعه بعد ما رو هم با خودت ببر. ما رو هم با خودت ببر!
یک بسازوبفروش: اگه از حالت راضی نیستی، به‌جا سراغ دارم که هالش خیلی بزرگه و تراس خیلی خوبی داره. مال یه خانم دکتر بوده که صبح می‌رفته مطب، همون جا توی مطب می‌خوابیده و برنمی‌گشته خونه، برای همین حس می‌کنی خونه نوسازه.

یک خواننده: این آقای ربیعی که صبر ایوب رو درخواست کرده بودند، شما بودی؟ آره؟
یک پرایدسوار: چه جالب. من همیشه فکر می‌کردم فقط من که پراید سوار می‌شم و بسر پیچ‌ها سرپلوس خودروم خرت‌وخرت صدا می‌ده حالم خوب نیست. پس با این حساب کسانی مثل آقای ربیعی که سوار خودروهای شاسی‌بلند شرکت خودروسازی کیا با فرمون‌های نرم می‌شن هم ممکنه حالشون خوب نباشه.

یک پرایدسوار دیگر: البته من خودم حال بد داخل شاسی‌بلند رو بیشتر از حال خوب داخل پراید دوست دارم.

یک پرسشگر: حالا که حرف از رابطه بین حال آدم و خودرو آدم شد، یک سؤال پیش می‌آید، کسانی که دنیاپلاس سوار می‌شوند هم ممکن است حالشان خوب نباشد؟

عنابستانی: دارین غیر مستقیم به ماها تیکه می‌ندازین؟ کاری نکنید یکم عصبانی بشم و صورتون بخوره توی دستم!

یک دل‌سوز: آقای ربیعی شما از دیهشت ماه امسال گفته بودید شادابی بورس در هر بار جلسه دولت بررسی می‌شود. اگر همان وقت به‌جای اینکه نگران شادابی بورس باشید، نگران شادابی خودتان بودید، به این حالت دچار نمی‌شدید.

یک کارگر بیکار: من همه حرفای شما رو شنیدم. یه جای دیگه گفتید: «صدای منم اذیتم می‌کند.» من حاضرم همه روز با مته کار کنم و صداش رو بشنوم، ولی دیگه بیکار نباشم.

رئیس کتابخانه‌های عمومی کشور: ما یک کتاب داریم به‌نام «از حال بد به حال خوب» اثر دیوید برنز. توصیه می‌کنیم این کتاب را بخوانید تا هم حالتان خوب شود و هم سرانه مطالعه کشور چند میکروثانیه در روز بالاتر برود.

یک ناامید: خوش‌به‌حالت آقای ربیعی که وقتش رو داری به این فکر کنی که حالت خوبه یا خوب نیست. من این قدر مشکل مالی دارم که وقت فکر کردن به اینکه الان حالم چگونه رو ندارم.

رئیس جمهور: ولی من هنوز هم وقتی از شیشه خودروم به مردم نگاه می‌کنم، آن‌ها را خوش‌حال می‌بینم. نکند شما از جنس این مردم نیستی آقای ربیعی؟

یک روان‌شناس ایرانی: آقای ربیعی مگر شما نگفته بودید برای مشکلات اقتصادی می‌توانیم کارشناس خارجی بیاوریم، همان‌طور که در فوتبال مربی خارجی آورده‌ایم! پس الان هم پاشو برو پیش یه روان‌شناس خارجی که لیاقت همونه. ایش!

اقتشار آسیب‌پذیر: البته برخلاف شما حال همه ما خوب است.

شاعری به‌نام سیدعلی صالحی: ... اما تو باور مکن.

یک خودشیرین: امیدواریم روزی برسد که به دفتر کار آقای ربیعی زنگ بزنیم و وقتی از منشی‌تون حالتون رو پرسیدیم، بگه خوبه، سلام می‌رسونه!



روزنامه شهرامیدوزندگی

شماره ۵۵
۴ بهمن ۱۳۹۹
دومین شهریور ۱۳۹۹
شماره ۳۲۱

SHAHARANNEWS.IR



پنج‌خمون

۳		۸	۵	۷	
					۳
		۵	۴	۳	
۵		۹		۲	۴
۴		۵		۹	۷
		۱	۴	۳	۵
		۹		۳	
۸		۴		۱	
۲	۴	۸	۱	۷	۳

۲	۵	۱	۵	۴	۳	۱	۵	۲	۴
۹	۱	۵	۲	۵	۱	۵	۲	۹	۴
۵	۲	۴	۱	۵	۲	۴	۱	۵	۲
۲	۵	۱	۵	۲	۴	۱	۵	۲	۴
۸	۱	۵	۲	۴	۱	۵	۲	۸	۱
۱	۵	۲	۴	۱	۵	۲	۴	۱	۵
۵	۲	۴	۱	۵	۲	۴	۱	۵	۲
۳	۵	۱	۵	۲	۴	۱	۵	۳	۵
۱	۵	۲	۴	۱	۵	۲	۴	۱	۵
۵	۲	۴	۱	۵	۲	۴	۱	۵	۲

جدول شماره: ۳۱۳۱

طراح: محمد رضا علیرزاده

ناشر مجله سخن	انتیاره خجل قرص خواب	خمیر تونو تفریق زرنگی	نغانا پونه نت منگی قوم بربر	سرما به جاودانی بیرونی	شیپور نظامی نقل‌کننده	ایزار صید خط‌کش هندسی درس شیرین	پدر دریا بعد هفت رود مرزی
دارایی پیشخوان			کارگاه پنجرگیری درون دهان	واحد شمارش چادر زبان گنجشک		مشکل کشته راه خدا	
	قلب نیروگاه دیوار دفاعی باستانی					پسوند شباهت نام دخترانه	
آزادان کلاچ شیدی		پایتخت گامبیا			کلفت	کامیونر	
			مژغونی		گذرگاه عابر بی‌ترکب		
فلز سرچشمه رنگ صلح						گل نومی‌دی لقب اشراف اروپایی	
ویتامین جدولی طریق						پسران آفریدگار	
آخرین نازی قدیم							نقوذ کردن پایان یافته
پیش طبیعی مذهب							

پاسخ جدول ۳۱۳۰

نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.

تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹۱